

« درس پنجم: خدا در فلسفه (1) »

1. جامعه ی یونان که فیلسوفان بزرگ از جمله سقراط و افلاطون و ارسطو در آن زندگی می کردند از نظر اعتقادات دینی در چه شرایط و وضعیتی قرار داشت؟
مردم به خدایان متعدد اعتقاد داشتند و هر کدام را مبدأ و منشأ یک حقیقت در جهان می دانستند.
اعتقاد به این خدایان که تعدادشان به ده ها مورد می رسید چنان محکم و ریشه دار بود که انکار آن ها ، طرد از جامعه یونان و گاه از دست دادن جان را به دنبال داشت. حاکمان و بزرگان جامعه یونان اجازه نمی دادند که کسی با اندیشه شرک آلودشان مخالفت و به خدایان توهین کند.
2. برخی از خدایان یونان باستان را نام ببرید.
ژئوس (خدای آسمان و باران) آپولون (خدای خورشید و هنر) آرتیمیس (خدای عفت و خویشتن داری)
3. اتهام اصلی سقراط در دادگاه که منجر به اعدام او شد چه بود؟
او خدایانی را که همه به آن ها معتقدند انکار می کند و از خدایی جدید سخن می گوید.
4. عقیده ی افلاطون در مورد خدا چیست؟
خدا نزد افلاطون یک خدای معین با ویژگی های روشن است و کار او هدفدار است.
5. از نظر افلاطون چرا چند خدایی شکل دیگر از کفر و بی خدایی است؟
زیرا در چند خدایی خلقت آگاهانه معنا ندارد، چند خدایی یا همان شرک نمی تواند نظم حکیمانه جهان را تبیین کند چون چند خدایی ها عقیده داشتند که میان خدایان اختلاف و جنگ رخ می دهد و هر کدام می خواهد بر دیگران چیره شود لذا این اعتقاد تفاوت چندانی با بی خدایی ندارد.
6. افلاطون خداوند را چگونه توصیف می کند؟ (خدا نزد افلاطون دارای چه صفاتی است؟)
در سوی دیگر نوعی از هستی وجود دارد که پیوسته ثابت است ، نه می زاید و نه از میان می رود و نه چیز دیگری را به خود راه می دهد و نه خود در چیزی دیگر فرو می شود ، او نه دیدنی است و نه از طریق حواس دریافتنی است. فقط با تفکر و تعقل می توان به او دست یافت و از او بهره مند شد.
7. افلاطون گاهی از خداوند با دو عنوان یاد می کند آن دو عنوان کدامند و منظور چیست؟
الف) مثال خیر: همه چیز در پرتو خداوند دارای حقیقت می شوند و همان طور که روشنایی شبیه خورشید است اما خود خورشید نیست حقایق نیز شبیه به مثال خیر هستند نه خود آن.
ب) خالق و آفریننده عالم: یگانه سخنی که درباره نظم و گردش آفتاب و ماه و ستارگان می توان گفت این است که کل جهان زیر فرمان عقل قرار دارد. (بیان اولیه و ساده برهان نظم)
8. ارسطو برای اثبات وجود خدا از چند برهان و استدلال استفاده می کند؟ هر یک را توضیح دهید.
الف) برهان خوبترین و بهترین موجود: در میان موجودات برخی خوبتر و بهتر از برخی دیگرند، هر جا که یک

خوبتر و بهتر هست خوبترین و بهترین نیز هست پس حقیقتی هم که خوبترین و بهترین است وجود دارد که از همه برتر است و این همان واقعیت الهی است. (شهریور 99)

ب) برهان نظم: نمی شود که یک نظم و انتظام بر جهان حاکم باشد بدون اینکه موجودی جاویدان و برتر از ماده در کار نباشد. (شهریور 99)

ج) برهان حرکت: وجود حرکت در عالم نیازمند یک محرک است که خود آن محرک حرکت نداشته باشد زیرا اگر آن نیز حرکت داشته باشد نیازمند یک محرک دیگر است و آن محرک دوم نیز نیازمند محرک سوم است و سلسله محرک ها تا بی نهایت جلو خواهد رفت و چنین تسلسلی عقلاً محال است.

(پس محرک اصلی و اول همان خداوند است که نیاز به هیچ محرکی ندارد و ثابت است.)

9. در دوره جدید اروپا کدام جریان ها و مکاتب فلسفی شکل گرفتند ؟ برای هر گروه فیلسوفانی مثال بزنید.

جریان عقل گرایان مانند کانت و دکارت / جریان حسی گرایان و تجربه گرایان مانند هیوم

10. استدلال دکارت برای اثبات وجود خدا را بیان کنید.

الف) من از حقیقتی نامتناهی و علیم و قدیر که من و همه چیز را آفریده تصوری دارم.

ب) این تصور نمی تواند از خودم باشد زیرا من موجودی متناهی هستم.

ج) پس وجودی نامتناهی یعنی خداوند این ادراک و تصور را به من داده است.

11. به نظر هیوم کدام دلایل برای اثبات وجود خدا مردودند ؟ چرا؟

دلایلی که صرفاً متکی بر عقل باشند. زیرا عقل اساساً ادراک مستقل از حس و تجربه ندارد.

12. از نظر هیوم مهم ترین برهان فیلسوفان الهی برای اثبات وجود خدا کدام است؟ دلیل ناتوانی این برهان برای اثبات یک وجود ازلی و ابدی نامتناهی چیست؟ (خرداد 99)

برهان نظم. زیرا این برهان فقط می تواند ثابت کند که یک ناظم و مدبر این جهان را اداره می کند اما ثابت نمی کند که این ناظم خالق ، همان خداوندی است که نیازمند به علت نیست و واجب الوجود است.

13. استدلال کانت برای اثبات وجود خدا را به طور خلاصه بیان کنید.

او می گوید انسان دارای اصول اخلاقی و مسئولیت پذیری است و رعایت اخلاق تنها با اختیار و اراده انسان ممکن است. اختیار و اراده نمی تواند ویژگی بدن مادی باشد بلکه باید ویژگی نفسی غیر مادی و جاودان باشد که روح نام دارد. این روح و نفس مجرد چون موجودی جاودانه و غیر مادی است برای سعادت دائمی خود به جهانی فراتر از دنیای مادی نیاز دارد و چنین جهانی نیز مشروط به وجود خدایی جاودان و نامتناهی است که رفتار او را زیر نظر دارد بنابراین قبول خداوند پشتوانه رعایت اصول اخلاقی است.

14. رشد تفکر حسی و حس گرایی و ظهور فیلسوفانی که انسان و جهان را مادی می دانستند چه تاثیری در

جامعه اروپایی به جای گذاشت؟ پایه های اعتقاد به خدا را در جامعه اروپایی سست کرد و زندگی مردم را تحت

تاثیر قرار داد بدین صورت که معنا و مقصود زندگی در میان بخشی از جامعه اهداف مادی محدود شد و زندگی

بسیاری از مردم فاقد معنا و ارزش های متعالی گردید و بحران معنا داری زندگی پدید آمد.

15. سه فیلسوف اروپایی را که از تجربه های درونی و عشق و عرفان برای اثبات وجود خدا استفاده کرده اند نام ببرید. (شهریور 99)

ویلیام جیمز / برگسون / کرکگور

16. ایمان را از نظر کرکگور تعریف کنید. ایمان هدیه ای الهی است که خداوند به انسان عطا می کند، خدا انسان مومن را بر می گزیند و به او ایمان هدیه می کند و اگر کسی شایسته این بخشش (ایمان) نشود زندگی تاریکی را سپری خواهد کرد.

17. بحران معنا داری زندگی در قرن بیست و یکم چه تغییری در نگرش فیلسوفان به وجود آورد؟

فیلسوفانی ظهور کردند که در عین اعتقاد راسخ به خدا می کوشیدند به جای ذکر دلایل اثبات وجود او به رابطه میان اعتقاد به خدا و معنا داری زندگی توجه کنند و نشان دهند که زندگی بدون اعتقاد به خدایی که مبدا خیر و زیبایی و ناظر بر انسان باشد دچار خلأ معنایی و پوچی آزار دهنده ای خواهد شد.

18. زندگی معنا دار را تعریف کنید. زندگی است که دارای غایت و هدف و سرشار از ارزش های اخلاقی است و انسان را نسبت به آینده اش مطمئن می کند و آرامشی برتر به او می دهد.

19. از دیدگاه کاتینگهام قبول خداوند چه تاثیری بر نگرش و زندگی انسان خواهد داشت؟ زندگی انسان را با ارزش و با اهمیت می سازد و این امید را به ما می دهد به جای اینکه احساس کنیم در جهان بیگانه ای افتاده ایم که هیچ چیز در نهایت اهمیت ندارد می توانیم مأمون و پناهگاهی به نام خدا بیابیم.

20. کدام عبارت صحیح و کدام یک غلط است (خرداد و شهریور 99 / دی 98)

1. دکارت می گوید تصور من از حقیقتی نامتناهی و علیم و قدیر نمی تواند از خودم باشد زیرا من موجودی متناهی هستم (ص)

2. از نظر کانت، اختیار و اراده نمی تواند ویژگی بدن مادی باشد. (ص)

3. به نظر تیلور، افلاطون ابداع کننده ی خداشناسی فلسفی است. (ص)

4. ارسطو می گوید بدون موجودی جاودان و برتر از ماده، وجود نظم و انتظام در جهان محال است (ص)

21. هر یک از عبارت های زیر عقیده کدام فیلسوف است؟ (امتحان نهایی 98 و 99)

1. از سوئی دیگر نوعی از هستی است که نه می زاید و نه از میان می رود. (افلاطون)

2. ایمان هدیه ای الهی است که خداوند به انسان عطا می کند. (کرکگور)

3. دلایل اثبات وجود خداوند که صرفاً متکی بر عقل باشند مردودند. (هیوم)

4. دلیل وجود خداوند عمدتاً در تجربه های شخصی درونی ما نهفته است. (ویلیام جیمز)

5. پذیرش خداوند زندگی ما را با اهمیت و با ارزش و معنا دار می سازد. (کاتینگهام)

6. اختیار و اراده نمی تواند از ویژگی های بدن مادی باشد. (کانت)

22. عقاید و استدلال های فیلسوفان زیر در مورد خدا را به طور خلاصه بیان کنید.

افلاطون: یک خدا با ویژگی های روشن وجود دارد. خداوند مثال خیر و خالق عالم است.

ارسطو: خداوند خوبترین و بهترین موجود است، محرک اولیه و اصلی است و ناظم این جهان است که موجودی جاودان و برتر از ماده است.

دکارت: خداوند حقیقتی نامتناهی و علیم و قدیر است که قدرت تصور و ادراک را به ما داده است.

هیوم: دلایل فیلسوفان برای اثبات خدا را رد می کند و معتقد است یا خدایی وجود ندارد یا نمی توان اثبات کرد.

کانت: او وجود خدا را از طریق اخلاق و وظایف اخلاقی اثبات کرد.

ویلیام جیمز: دلایل وجود خداوند عمدتاً در تجربه های شخصی درونی ما نهفته است.

کرکگور: ایمان هدیه ای الهی است که خدا به انسان مومن عطا می کند و بدون ایمان زندگی تاریک است.

کاتینگهام: قبول خداوند زندگی ما را با ارزش و با اهمیت می سازد و خداوند مامن و پناهگاه انسان است.

نکات مهم درس

1. اندیشه درباره خدا یک اندیشه دیرین در تمام جوامع بشری بوده است.
2. افلاطون در فضای شرک آلود یونان تصمیم گرفت با دقتی فلسفی و استدلالی درباره خدا صحبت کند و پندارها را اصلاح نماید.
3. به نظر تیلور، افلاطون ابداع کننده خداشناسی فلسفی است.
4. برهان مشهور ارسطو برای اثبات خدا برهان حرکت نام دارد.
5. کانت ضرورت وجود خدا را از طریق اخلاق و وظایف اخلاقی اثبات می کند.
6. به نظر کانت اختیار و اراده از ویژگی نفس مجرد یا روح است نه بدن مادی.
7. کانت معتقد است سعادت روح در کسب فضیلت و رعایت اصول اخلاقی است.
8. کاتینگهام می گوید در قرن جدید برخی فیلسوفان به این سمت رفتند که خدا را عامل اصلی معنا بخشی به زندگی معرفی کنند.
9. از نظر هیوم مهم ترین برهان فیلسوفان الهی برای اثبات خدا برهان نظم است و این برهان کافی نیست
10. ارسطو که از قدرت منطقی و استدلالی قوی برخوردار بود کوشید قدم های اولیه را برای اثبات خدا با برهان ها و استدلال هایش بردارد.
11. در قرن جدید بحران معنا داری زندگی موجب شد فلاسفه به جای اثبات خدا به رابطه میان اعتقاد به خدا و معنا داری زندگی توجه کنند.
12. کانت و دکارت تلاش کردند پایه های عقلی اعتقاد به خدا را استوار سازند.
13. فیلسوفان تجربه گرا به جز هیوم برهان نظم را معتبر دانسته و به خدا معتقد بودند.
14. افلاطون می گوید: کل این جهان زیر فرمان عقل قرار دارد.
15. به عقیده افلاطون از طریق حواس نمی توان خدا را دریافت، فقط با تفکر و تعقل می توان او را دریافت.